



آینده‌نگری با مسئله داشتن آغاز می‌شود/نقد نباشد آینده ای هم نیست

رئیس فرهنگستان علوم گفت: در جایی که نقد نیست آینده نگری و شاید بتوان گفت آینده ای وجود ندارد. با نقد است که می توان اکنون و امکان‌های عمل را درک و دریافت کرد.

رئیس فرهنگستان علوم گفت: در جایی که نقد نیست آینده <shy>نگری و شاید بتوان گفت آینده <shy>ای وجود ندارد. با نقد است که می‌توان اکنون و امکان‌های عمل را درک و دریافت کرد.

به گزارش خبرنگار مهر، رضا داوری اردکانی، رئیس فرهنگستان علوم در مراسم روز جهانی آینده با عنوان «روز جهانی آینده، ضرورت آینده نگری در نظام تصمیم سازی» که در فرهنگستان علوم برگزار شد، به ایراد سخنرانی پرداخت.

وی با بیان اینکه آینده چیزی نیست که در جایی وجود داشته باشد و ما با کوشش بتوانیم جای آن را بشناسیم و به سوی آن برویم، اظهار کرد: آینده عدم است و آدمی در راهی که به سوی مرگ می <shy>رود، آن را می <shy>سازد. پس آینده <shy>نگری را نمی <shy>توان علم دانست، زیرا علم به عدم تعلق نمی <shy>گیرد. آینده <shy>نگری گزارش کار و سازندگی کشور و مردمی است که اراده کرده باشند، راهی را بپیمایند و به مقصدی برسند. اگر این معنی را بپذیریم، آینده <shy>نگری دانشی نیست که آن را در مدرسه بیاموزند و در جامعه به کار ببرند. البته اگر در جایی درک آینده <shy>بین و آینده <shy>ساز وجود داشته باشد، اطلاعات آینده <shy>نگری را مثل هر دانش دیگر می <shy>توان تدوین و تعلیم کرد و از آنها در اصلاح و اجرای برنامه <shy>ها بهره برد، اما همه مردمان در همه جای جهان نسبتشان با آینده یکسان نیست و در راه آینده با هم همراه نیستند. آنهایی که در راه آینده وارد نشده <shy>اند، آینده <shy>نگری ندارند و آینده <shy>نگری رسمی هم به دردشان نمی <shy>خورد.

رئیس فرهنگستان علوم افزود: آینده <shy>نگری یک علم نظری یا کاربردی جهانی نیست. این علم مسبوق به اراده و توانایی و درک امکان <shy>های مردمی است که قدم در راه آینده گذاشته باشند و بخواهند راه را بشناسند. داشتن اطلاعات لازم است و تا اطلاعات نباشد کاری نمی <shy>توان کرد، اما تا وقتی که یک کشور یا سازمان و جمعیتی عزم و همت کار کردن و ساختن نکند، آن دانستن <shy>ها به کار نمی <shy>آیند. چنانکه جهان توسعه نیافته بسیار علم <shy>ها دارد که از آنها برای آینده بهره نمی <shy>گیرد. صفت خاص علم جدید دکارتی- گالیله <shy>ای این است که با طرح آینده و برای آینده به وجود آمده است. منتهی علم <shy>ها وقتی در کتاب <shy>ها و مقاله <shy>ها تدوین می <shy>شوند، جسم جدا شده از روح علم و علم آموختنی اند، اما علم و اطلاعات آینده <shy>نگری اگر درک درست آینده باشد، جسم و جانش به آسانی از هم جدا نمی <shy>شوند، زیرا این علم عین عمل است که اطلاعات و معلومات آن با نقد گذشته و شناخت اکنون حاصل می <shy>شود و این نقد با اراده به سوی آینده صورت می <shy>گیرد

این چهره ماندگار فلسفه گفت: در جایی که نقد نیست آینده <shy>نگری و شاید بتوان گفت آینده <shy>ای وجود ندارد. با نقد است که می <shy>توان اکنون و امکان <shy>های عمل را درک و دریافت کرد. پس آینده <shy>نگری قدم گذاشتن در راه آینده است و هر قدم که برداشته می <shy>شود، چشم <shy>انداز پیش رو روشن <shy>تر می <shy>شود. باید دید که آیا ما این گام را برداشته <shy>ایم یا نه. آنچه می <shy>توان گفت این است که اعتنای ما به نقد کم است. غالباً در اصلاح امور جزئی هم اهمال می <shy>کنیم و شاید به یک اعتبار حق داریم زیرا تا کارها از اساس اصلاح نشود در جزئیات هم کاری مؤثر نمی <shy>توان کرد، اما به هر حال جزئی و کلی را نباید از هم جدا کرد و آنها را پیوسته به هم و با هم باید دید. این باهم <shy>بینی جزئی و کلی که شرایط فکری و اخلاقی خاص می <shy>خواهد اگر راجع به آینده باشد قهرماً به زمان مدرن تعلق پیدا می <shy>کند.

داوری اردکانی ادامه داد: متقدمان بر خلاف متجددان سیر زمان را سیر پیشرفت و کمال نمی <shy>دانستند. آنها آینده را با نظر اخلاقی می <shy>دیدند و البته بسیاری معتقد و منتظر بودند که روزی پرده غیب کنار <shy>رود و عدل، ظاهر و محقق <shy>شود. جهان جدید نظر دیگری به آینده دارد و با این نظر قرین با اراده به عهده گرفته است که جهان آینده <shy>را بسازد. اگر متقدمان گردش چرخ زمان را مستقل از اراده انسانی می <shy>دانستند و برای اراده انسانی شأنی قائل نبودند، جهان جدید با ظهور بشری که اراده ساختن داشت، پدید آمد تا آنجا که علم جدید هم در فلسفه دکارت با طرح آینده پدید آمده است. با پدید آمدن تجدد و گسترش آن در سراسر جهان نظرها نسبت به زمان و زندگی دگرگون شده و همه ناگزیر باید به فکر آینده باشند. این سیر به سوی آینده را به نام‌هایی مثل مدرنیسم و گذشت از توسعه نیافتگی و ... نامیده <shy>اند. چیزی که فهمش دشوار است، وجود بشر جدید با فهم متفاوت نسبت به فهم

جهان قدیم است. اروپا که آینده را ساخت، استعداد و آمادگی و فهم خاص پیدا کرده بود نه اینکه در برهه‌های از زمان کسانی فکر کرده باشند که خوب است طبیعت را تصرف کنند و زندگی خود را بهبود بخشند، بلکه این فکر در اروپا (در آثار دوره رنسانس) به وجود آمد که علم، علم تصرف در موجودات و علم قدرت است و این فکر و روح در جان‌های هم جایی پیدا کرد.

وی افزود: اروپا یک طرح انتزاعی پیشرفت را اجرا نکرد، بلکه آنچه را که در وجودش در حال پدید آمدن بود محقق کرد. اروپا و امریکای کنونی محصول اراده‌های هستند که در قرن هجدهم ظاهر شده بود. اروپا و امریکا را اراده به پیشرفت ساخته است. اکنون هم هر قوم و ملتی که بخواهد مدرن شود یا توسعه یابد، باید علم را با اراده به ساختن توأم کند. اطلاعاتی که معمولاً در پژوهش‌های آینده‌نگری وجود دارد مفید و لازم است، اما اگر آن اطلاعات با عزم آینده‌سازی توأم نشود، آینده ادامه امروز خواهد بود. اطلاعات کم و بیش همه جا هست و همه می‌توانند به آن دسترسی داشته باشند. در کار توسعه و پیشرفت امر کارساز تصمیم و اراده است. صاحب اراده به پیشرفت، آینده را در اکنون می‌جوید و می‌بیند. اگر اکنون در جان‌های جنبش و جوشش و میل به آینده و مقاومت در برابر سختی‌ها وجود داشته باشد فردا، فردای توسعه است. این فردا با علم ساخته می‌شود. به شرط اینکه علم آینده صرف گردآوری اطلاعات و بیان پیشنهادهای آرزویی نباشد. آینده با سیر در اکنون آغاز می‌شود و بسط و گسترش اکنون است. هر چه را اکنون داریم (یا هر چه که اکنون هستیم)، فردا محقق می‌کنیم. آینده و اکنون از هم جدا نیستند. در اکنون هر کشور و هر نظام می‌توان آینده‌اش را دید.

داوری اردکانی با بیان اینکه آینده معمولاً در برنامه‌ریزی صورت و تعیین پیدا می‌کند، تصریح کرد: برنامه، دستور عمل برای مردمی است که رو به آینده دارند. آینده‌نگری هم وقتی فایده و وجه و معنی دارد که بخواهیم برنامه‌ای برای رسیدن به فردا طراحی کنیم. اگر برنامه نباشد، فردا هم تکرار امروز خواهد بود. آینده‌نگری را از برنامه‌ریزی و طراحی آینده جدا نمی‌توان کرد. برنامه هم بیان و اظهار عزم و تصمیمی است که یک کشور برای فردای خود اتخاذ می‌کند. آینده زمان انتزاعی و تکرار لحظات و ساعات و روزها و سال‌ها نیست، بلکه رویکرد اکنون ما به سوی چشم‌انداز زندگی بهتر است. امروز اگر چشم‌اندازی نداریم فردا هم چیزی مثل امروز خواهد بود. این مطلب مجمل را در چند جمله می‌توان خلاصه کرد. درک و دریافت آینده برای ساختن فرداست و این ساختن مسبوق به دگرگونی در وجود مردمان و مهیا شدن برای ساختن است. آینده، تکرار روزها و ماه‌ها و سال‌ها نیست بلکه تحقق چشم‌انداز زندگی فرداست.

وی تأکید کرد: اطلاعاتی که در آینده‌نگری‌ها فراهم می‌آید در صورتی به کار می‌آید و اعتبار دارد که با عزم و تصمیم توسعه و آینده‌سازی فراهم آمده باشد وگرنه صرف وجود اطلاعات برای ساختن آینده کفایت نمی‌کند. به این جهت طرح اجمالی برنامه آینده مقدم بر گردآوری اطلاعات است. چنانکه تدوین و طراحی برنامه نیز ناگزیر باید مسبوق به اراده و عزم آینده باشد. اگر کشوری عزم آینده دارد باید به طرح کلی و اجمالی از راه و مقصد دست یافته باشد و با توجه به این طرح کلی است که می‌تواند برنامه راه را تدوین کند و اطلاعات لازم برای پیمودن راه را بدست آورد. گفتن اینکه ایران دارد، خشک می‌شود و خشک شده است و هوایش چنین و چنان و سازمان اداری اش حجیم و تنبل است، چیزهایی است که اکنون دیگر همه می‌دانند. ما بوده‌ایم و ایران خشک شده و هوای بعضی شهرهایش دیگر هوای زندگی نیست و نتوانسته‌ایم از این تغییر جلوگیری کنیم.

داوری اردکانی در پایان تأکید کرد: آیا در وجودمان تغییری پدید آمده است که نگذاریم آینده تکرار گذشته پر از حسرت و اکنون تهی باشد؟ برای جلوگیری از ویرانی محیط زیست و مواجهه با مشکلات اجتماعی و اقتصادی و اخلاقی چه می‌خواهیم بکنیم؟ کشور پر از مشکل است. آیا به فکر چاره‌اندیشی و رفع مشکل می‌کنیم؟ برای اینکه به فکر چاره بیفتیم باید مشکل‌ها را به صورت مسئله درآید. هنوز مشکل‌ها برای ما مسئله نشده است و به این جهت به آنها نمی‌اندیشیم و به حال خود رها می‌کنیم. آینده‌نگری با مسئله داشتن آغاز می‌شود. ما پیش از آنکه توانایی‌های خود را بشناسیم باید بدانیم که از عهده چه کارها بر نمی‌آیم و در این صورت است که می‌توانیم توانایی‌های خود را بشناسیم.

مهرنوش محمدزاده